

پژوهش و مطالعه باستان‌شناسی درباره کوزه فُقع با استناد به یافته‌های مکشوف از شهری (گونه‌شناسی، گاهنگاری، فرآیند و تکنولوژی تولید و...)

محسن سعادت‌تی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/NBSH.2020.21400.2112
 تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۴
 نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۶۴-۱۴۳

چکیده

I. دکترای باستان‌شناسی دوران اسلامی، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
 m.saadati69@gmail.com

یکی از فرم‌های رایج سفالینه‌ها در جهان اسلام، ظروف سفالی موسوم به «فُقع» است که از لحاظ فرم، تکنیک، کاربری، گاهنگاری و دامنه جغرافیای دارای ابهامات فراوانی است. این پژوهش براساس داده‌های کاوش باستان‌شناسی خیابان «بابک» شهری و هم‌چنین شواهد و داده‌های پراکنده فُقع از کاوش‌های پیشین ری، به ویژه بقایای کوره فُقع در منطقه دیلمان شهری، به عنوان تنها و مهم‌ترین مدارک از وجود کوره فُقع در ایران، بررسی شده است. مطالعه و شناخت دقیق این سفال و شاخصه‌های آن، از مهم‌ترین اهداف این پژوهش است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به چند پرسش است؛ ۱- کوزه فُقع در چه برهه زمانی در ایران و جهان اسلام رواج داشته و در چه زمانی استفاده از آن منسوخ گردیده است؟ ۲- کاربرد دقیق این نوع کوزه چیست و از لحاظ گونه‌شناسی به چند دسته تقسیم می‌شود؟ ۳- خاستگاه کوزه فُقع براساس شواهد باستان‌شناسی موجود کجاست؟ کوزه فُقع براساس شواهد باستان‌شناسی از قرون نخستین اسلامی تا پایان قرن هشتم هجری قمری رواج داشته؛ پژوهشگران مختلف طی سالیان متمادی کاربری‌های متفاوتی برای این کوزه مطرح کرده‌اند که به نظر می‌رسد با توجه به دو عامل زمان و منطقه جغرافیایی از این کوزه، با کاربردهای متفاوت استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به بدست آمدن فُقع در مناطق مسکونی و خانگی، از این کوزه در مصارف خانگی استفاده شده است. تزئینات بدنه و دهانه بسیار باریک آن، نشان‌دهنده نگه‌داری مواد ویژه‌ای در دوران آن است. کوزه فُقع براساس فرم، شکل و هم‌چنین تزئینات بدنه، به سه گونه تقسیم می‌شود؛ فُقع اولیه (قرون نخستین اسلامی تا اواخر قرن سوم هجری قمری)، فُقع میانی (قرن چهارم تا ششم هجری قمری) و فُقع متأخر (قرون هفتم و هشتم هجری قمری). در ایران این کوزه از شهرهای مهمی چون: ری، نیشابور، شوش، جیرفت، تخت سلیمان، جرجان، سلطانیه و اوجان (بستان‌آباد) و در خارج از ایران از مناطقی هم‌چون: فسطاط، اسکندریه، اورشلیم، صیدا، دمشق، بعلبک، طرابلس، حمص، رقه، تفلیس، سامرا، مرو، بلخ، لشکری بازار، غزنه، سمرقند، خجند و تاشکند به دست آمده است. کاوش‌های باستان‌شناسی در خیابان «دیلمان» شهری بقایای معماری دو کوره را نمایان کرد که شواهدی از قبیل کوزه و جوش کوره فُقع نشان‌دهنده تولید انبوه این کوزه در منطقه ری است.

کلیدواژگان: کوزه فُقع، مراکز تولید، گونه‌شناسی، گاهنگاری، کاوش‌های باستان‌شناسی، شهر ری.

مقدمه

سفال به‌عنوان یکی از فراوان‌ترین یافته‌های باستان‌شناسی از دوره نوسنگی تا دهه‌های اخیر، به‌عنوان ابزاری در جهت شناخت عقاید و افکار، فرهنگ اقوام و ملت‌ها، علوم و فنون و اقتصاد به‌کار می‌رود. در طول زمان هنر سفالگری در میان دیگر هنرهای اسلامی، رواج و شکوفایی بیشتری یافت و عناصر و مضامین ادبی در تزئین آن استفاده شد. دوران اسلامی، یکی از دوره‌های درخشان سفالگری در ایران است؛ هرچند در راستای شناخت سفالگری این دوره تاکنون مطالعات فراوانی صورت گرفته، اما این پژوهش به مطالعه موردی یکی از گونه‌های سفالی مشترک بین ایران و نواحی غربی جهان اسلام، موسوم به «فُقع» اختصاص دارد که هنوز در مطالعه دقیقی به وجوه مختلف آن از قبیل: مراکز تولید، فرم، تکنیک ساخت، کاربری، گاهنگاری و گونه‌شناسی آن پرداخته نشده است.

کوزه فُقع که از اسامی مختلفی همانند: کوزه سنگین ترنجی شکل و گاهی کروی-مخروطی شکل از آن یاد می‌شود، دارای ساختاری سنگین، ترنجی شکل، با دهانه تنگ و به صورت بدنه‌ای شکم‌دار است. در لغتنامه‌های فارسی تعاریف یکسانی برای آن بیان شده است؛ در لغتنامه دهخدا فُقع به معنی «شرابی که از جو و مویز و جز آن گیرند... فُقع از مشروب‌های گازدار بوده و در کوزه سنگین نگه‌داری می‌شده است... (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۸).^۱ در لغتنامه عمید نیز در تعریف فُقع «فوگان [قدیمی] شرابی که از مویز، جو، یا برنج گرفته می‌شد...» ذکر شده است (عمید، ۱۳۸۹: ۶۸۵).^۲ به‌طور کلی در اکثر لغتنامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های فارسی از فُقع به‌عنوان وسیله‌ای برای نوشیدن شراب تعریف شده است.

پرسش‌های پژوهش: پرسش‌هایی که تاکنون در خصوص کوزه فُقع پاسخ دقیقی برای آن‌ها به‌دست نیامده این است؛ ۱- کوزه فُقع در چه برهه زمانی در ایران و جهان اسلام رواج داشته و در چه زمانی استفاده از آن منسوخ گردیده است؟ ۲- کاربرد دقیق این نوع کوزه چیست و از لحاظ گونه‌شناسی به چند دسته تقسیم می‌شود؟ ۳- خاستگاه کوزه فُقع براساس شواهد باستان‌شناختی موجود کجاست؟ به نظر می‌رسد این کوزه با توجه به شروع دوران اسلامی و بنا بر شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد فرم و تکنیک ساخت آن در قرون نخستین اسلامی رواج یافته و در دوره سلجوقی نیز پیشرفت‌هایی در تزئینات آن شکل گرفته است. با توجه به شکل، فرم و تزئینات مختلف بر روی بدنه فُقع و استفاده از آن در دوره‌های مختلف اسلامی، گونه‌شناسی و طبقه‌بندی آن، ضروری به نظر می‌رسد. کوزه فُقع در داخل مرزهای کنونی ایران در مناطق و محوطه‌های باستانی مهمی چون: شهر ری، نیشابور، جرجان، تخت سلیمان، جیرفت، شوش و... به‌دست آمده است و در مناطق خارج از ایران نیز به‌دست آمده است.

با توجه به کشف بقایای کوزه فُقع از کاوش خیابان بابک شهر ری (سعادت، ۱۳۹۷) و مطالعه شواهد پیشین این کوزه در منطقه، این پژوهش در راستای شناخت ذوق و هنر سفالگران در ایجاد کوزه موسوم به فُقع صورت پذیرفته است؛ هم‌چنین تاکنون پژوهش مستقلی در ارتباط با کاربری‌های مختلف اعم از: گونه‌شناسی،

گاهنگاری، دامنه جغرافیایی و کوزه تولید فُقع، انجام نگرفته است؛ بنابراین ضرورت انجام این پژوهش به خوبی آشکار می‌گردد.

روش پژوهش: این پژوهش براساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و براساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی و توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات موردنیاز آن نیز به دو شیوه اسنادی و میدانی انجام گرفته است. در روش اسنادی تمامی اطلاعات و داده‌های مربوط به داده‌ها و یافته‌های فُقع در گزارش‌های باستان‌شناسی و مقالات منتشر شده در مجلات، جمع‌آوری شده و اطلاعات آن‌ها تجزیه و تحلیل شده است. در روش میدانی نیز بقایای اندک فُقع مکشوف از کاوش‌های باستان‌شناسی در ری، به ویژه کاوش باستان‌شناسی خیابان بابک (نیش کوچه زحمتکش) به سرپرستی نگارنده (سعادت، ۱۳۹۷) و شناسایی کوزه‌های فُقع از خیابان دیلمان شهرری در سال ۱۳۷۰ توسط یحیی کوثری (کوثری، ۱۳۷۰) بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات پراکنده‌ای درخصوص کوزه فُقع و مراکز تولید آن انجام شده است. در بسیاری از کاوش‌های باستان‌شناسی مربوط به قرون نخستین و میانی اسلامی در مناطق باستانی شاخص دوران اسلامی، بقایای فُقع نیز به دست آمده، اما معمولاً تنها به صورت کاتالوگ معرفی گردیده است.

«سولسی» (Saulcy, 1874: 18-34) اولین کسی است که در سال ۱۸۷۴ م.، ۶۰ نمونه از فُقع‌های طرابلس لبنان را مطالعه می‌کند. در سال ۱۹۲۵ م. «فردریش ساره» (Sarre, 1925: 133-136) با استفاده از متون ادبیات آلمانی به بررسی این نوع کوزه پرداخت. «سواژه» (Sauvaget, 1949: 525-530) در سال ۱۹۴۹ م. با حمایت از نظریات پیشین با کابری این کوزه به عنوان «کوزه شراب» به طرح استدلال‌های خود، درباره آن‌ها پرداخته است. در سال ۱۹۵۱ م. «هیلدبرگ» (Hildburgh, 1951: 27-55) در مقاله‌ای به بررسی این کوزه به عنوان «دمنده‌های آتش» می‌پردازد. «دمارچی» (Dumarçay, 1965: 75-79) و «راجرز» (Rogers, 1969: 147-158) نیز در حمایت از نظریه هیلدبرگ، از این کوزه به عنوان «یک تخصص فنی» یاد می‌کنند. «سیریگ» (Seyrig, 1959: 81-89) در سال ۱۹۵۹ م. نیز در مقاله‌ای به تحلیل درباره کاربری‌های این نوع کوزه پرداخته است. «اتینگهاوزن» (Ettinghausen, 1965: 223-229) نیز در مقاله‌ای بیان می‌کند که این ظرف مربوط به محل نگه‌داری جیوه و مربوط به کیمیاگری است. «ادوارد کیل» (Keall, 1993: 280-285) نیز در فرضیه‌ای نیز با بیان دلایلی این کوزه را به عنوان «ظروفی جهت نگه‌داری آب» معرفی کرده است. «واتسون» (Watson, 2004: 132) در سال ۲۰۰۴ م. بر روی ظروف فُقع ایران پرداخت؛ هرچند این ظروف از جنس شیشه بودند. «شرویت» (Sharvit, 2008: 101-112) نیز در مقاله‌ای این ظروف را به محفظه نگه‌داری مواد خوشبوکننده نسبت داده است. «آلسو نورودینوا» (Nuretdinova, 2015: 103-115) نیز در سال ۲۰۱۵ م. به مطالعه بر روی منشأ و پیشینه کوزه‌های فُقع مکشوف از ولگا بلغارستان

پرداخته است. در سال ۲۰۱۶م. مجله باستان‌شناسی دوران اسلامی با توجه به اهمیت این ظروف، ویژه‌نامه‌ای به مطالعات درباره کوزه فقاع اختصاص داده است (۲۰۱۶: ۱۵۳-۲۴۲). در این ویژه‌نامه «استیفن پردینس» (Pradines, 2016: 153-162) به بررسی سفال فقاع از دامنظر مطالعات باستان‌شناسی و متون تاریخی، «دیوید نیکولا» (Nicolle, 2016: 163-178) و «دونالد ویتکمپ» (Whitcomb, 2016: 179-186) نیز در مقالاتی به معرفی کوزه فقاع به‌عنوان «نارنجک و وسیله آتش‌زای یونانی»، «ایلودیه ویگوروکس» (Vigouroux, 2016: 187-194) نیز بر روی فقاع‌های دوره مملوکی دمشق، «ژولیه مونچامپ» (Monchamp, 2016: 195-208) نیز به گونه‌شناسی فقاع‌های دوره ایوبی قاهره و «ولنتینه ویزولی» (Vezzoli, 2016: 209-233) نیز به مطالعه فقاع‌های به‌دست آمده از بعلبک پرداخته است.

درمیان پژوهشگران و باستان‌شناسان ایرانی نیز مطالعاتی هرچند اندک بر روی این کوزه صورت گرفته است. «عبدالله قوچانی» در مقاله‌ای به معرفی این سفال براساس نمونه‌های موزه‌ای از دیدگاه اشعار و متون فارسی می‌پردازد (قوچانی، ۱۳۶۶: ۴۵-۴۰). قوچانی به همراه «شهریار عدل» در مقاله‌ای کوزه فقاع را به‌عنوان «طرفی برای نگه‌داری الکل» معرفی می‌کنند (Ghouchani & Adle, 1992: 72-92). آخرین مطالعه بر روی این کوزه در ایران توسط «مرتضی گراوند» و همکاران به مطالعه و بررسی کوزه‌های فقاع نیشابور و ری از دیدگاه مورفولوژی پرداخته است (Garavand et al., 2017: 39-47).

پراکندگی مطالعات و عدم وجود یک پژوهش کامل نسبت به: معرفی، کاربرد، گونه‌شناسی، گاهنگاری، دامنه جغرافیایی و کوره تولید این ظروف باعث شده که در این مقاله ویژگی‌های ظروف فقاع با تأکید در برخی موارد مکشوف در ری، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

فقاع در شعر و ادبیات فارسی

علاوه بر اهمیت این سفال‌ها در مطالعات باستان‌شناسی، در متون ادبیات نیز به این سفال اشاره شده است. شاعران در آثار خود اشکال و عملکردهای خود را ذکر کرده‌اند که ارزش این نوع سفال‌ها را چند برابر می‌کند. اولین بار در شاهنامه «ابوالقاسم فردوسی» به فقاع با موضوع کوزه‌ای برای نوشیدن شراب اشاره شده است. «چو بیدار گردد فقاع و یخ آر...همی باش پیش گشتسپ سوار» (فردوسی، ۱۳۷۹: ۹۶۷). در سفرنامه ناصر خسرو در بخش صفات شهر قاهره، از فقاع به‌عنوان مست‌کننده و یک امر عادی در شهر بیان می‌کند (قبادیانی‌مروزی، ۱۳۹۵: ۷۸). «سنائی» در دیوان اشعارش از فقاع به‌عنوان کوزه‌ای در جهت نوشیدن شراب یاد کرده است. چکنند که فقاع خوش نبندد به درش... در کعبه حسن گشت و در پیش درش (سنائی، ۱۳۵۴: ۸۷). «نظامی گنجوی» نیز در موارد بسیاری در اشعار خود به‌ویژه در خمسه (۱۳۵۲: ۱۹۹)، لیلی و مجنون (۱۳۹۵: ۲۵۳) و شرفنامه (۱۳۹۳: ۱۹۷) به اشکال و نحوه استفاده آن به‌عنوان نوشیدن یاد کرده است. در بیتی از خمسه فقاع «گلابی گل‌شکری» به شکل و فرم این کوزه به‌عنوان یک

سفال گلابی و ترنجی‌شکل نیز اشاره شده است (نظامی‌گنجوی، ۱۳۵۲: ۱۹۹). «عطار نیشابوری» نیز در تذکرة الاولیاء (۱۳۹۲: ۱۹۶)، منطق‌الطیر (۱۳۷۳: ۲۴۰) و خسرونامه (۱۳۸۲: ۵۸) نیز به استفاده از فُقع در سفره‌ها و نیز مستی از طریق آن اشاره می‌کند. در اشعار «سعدی» نیز از این کوزه به‌عنوان مکیدن برای نوشیدن نیز ذکر شده است (سعدی، ۱۳۷۴: ۱۱۶). در اشعار دیگر شاعران نیز به استفاده از فُقع در نوشیدن نیز یاد شده است: «خاقانی شروانی»، دیوان اشعار، قطعات، شماره ۲۵۱ (خاقانی شروانی، ۱۳۳۸: ۲۳۶)؛ «اوحدی مراغه‌ای»، دیوان اشعار، غزلیات، غزل شماره ۵۸۱ (اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۴۰: ۵۲۴)؛ «کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی»، غزلیات، شماره ۱۵۶ (اسماعیل اصفهانی، ۱۳۹۶: ۱۲۸).

برخی معتقدند که استفاده از اصطلاح «فُقع و فُقع‌گشودن» در ادبیات و متون فارسی، کنایه و اشاره به چیزی غیر از شراب و نوشیدن است (پورجوادی، ۱۳۶۷: ۲). در برخی اشعار «عطار» و «فردوسی» از اصطلاح و واژه «فُقع‌گشودن» یا «فُقع‌گشودن» اشاره شده است. منظور از «فُقع‌گشودن» چیست؟ این تعبیر یکی از کنایات فراوان و پرمعنای شعر فارسی بوده و زمانی در نزد نویسندگان و شعرای ایرانی بسیار رایج بوده ولی امروزه به‌طور کلی فراموش شده است. در برخی از متون و اشعار در قرون پنجم و ششم هجری قمری به فارسی نوشته شده، در امثال حکم دهخدا (۱۳۸۳، ج ۲، ۵-۱۱۴۴) و لغتنامه دهخدا (ذیل فُقع، فُقع‌گشادن، فُقع‌گشودن و فُقع‌گشودن)، عطار نیشابوری (۱۳۹۵: ۲۵۹)، فردوسی (۱۳۷۹: ۲۳۴) و نظامی‌گنجوی از این عبارت استفاده شده است. ولی از زمان حمله مغول به بعد به تدریج از استعمال آن کاسته شده، به طوری که در آثاری که از قرن هشتم به بعد نوشته شده، اصلاً از آن استفاده نکرده‌اند. عطار هم در مصیبت‌نامه و هم در اسرارنامه تصریح می‌کند که می‌خواهد مانند فردوسی «فُقع‌گشایی» کند. به نظر می‌رسد منظور او از فُقع‌گشودن در این موارد معنای حقیقی این فعل نیست، بلکه کنایه و اشاره به موضوع دیگری دارد. در نزد شاعران در مفهوم «فُقع‌گشودن» نحوه داری فُقع در کوزه و خاصیت جوشان بودن آن بوده است. به‌طور کلی جوشان بودن، کیفیتی است که به فُقع در کوزه تعلق می‌گیرد، و هنگامی که شاعر از شعر گفتن به «فُقع‌گشودن» تعبیر می‌کند این کیفیت نقش خاصی ایفا می‌کند. اما این کیفیت در هر اصطلاح «فُقع‌گشودنی» منظور نظر واقع نمی‌شود (پورجوادی، ۱۳۶۷: ۳)؛ به‌طور مثال، در داستان عطار درباره مردی که شیفته آن پسر شده بود، ملاحظه کردیم که فُقع نمودار جمال معشوق چه‌طور است (عطار نیشابوری، ۱۳۷۳: ۸-۱۸۷). به‌عبارتی، وقتی فُقع نشانه و رمز نقد وقت عاشق یا معانی مضمحل در دل شاعر است، میل و جوشش شدید این معانی برای ظهور و ابراز در نظر گرفته می‌شود و لذا کیفیت جوشان بودن فُقع لحاظ می‌گردد.

کاربرد و عملکرد کوزه فُقع

موارد کاربرد و استفاده دقیق این کوزه برای متخصصان سفال طی دهه‌های گذشته موضوع پژوهش بوده و تاکنون نیز به‌طور قطعی و مستند، کاربرد دقیق آن مشخص

نشده است. تنها نظریات مختلفی از سوی پژوهشگران مطرح شده که در مواردی نیز رد و یا پذیرش شده است. در ادامه به صورت کلی به بیشتر نظریات درباره کاربری این کوزه خواهیم پرداخت.

ظروف شراب: یکی از مهم‌ترین فرضیه‌هایی که برای کوزه فُقاع مطرح شده، ظرف مخصوص نگه‌داری شراب است. این فرضیه پس از کشف برخی فُقاع‌ها در سامرا در سال ۱۹۴۰ م. و نوشته‌های روی برخی از آن‌ها بود؛ «آن‌ها ما را با شراب بالغ پر می‌کنند» (Sauvaget, 1950: 525). با این حال برخی مانند «سیریگ» عنوان کردند که با توجه به دهانه باریک این ظروف، پُر کردن آن‌ها دشوار است (Seyrig, 1959: 81-89). عبدالله قوچانی و شهریار عدل با مطالعه بر روی ظروف فُقاع مشکوف از ری، آن‌ها را به عنوان ظروف نگه‌داری آبجو معرفی می‌کنند (Ghouchani & Adle, 1992: 72-92). با توجه به ارائه دلایل زیادی برای رد کاربری این ظروف به عنوان محل نگه‌داری فُقاع، با این حال، پژوهشگران مهم‌ترین کاربرد این نوع ظروف را به عنوان محل نگه‌داری شراب یاد می‌کنند.

نارنجک دستی: یکی از رایج‌ترین کاربری‌های پیشنهادی برای ظروف فُقاع استفاده از آن به عنوان نارنجک دستی یا آتش یونانی است. از دلایل مهم برای ارائه این کاربری، شباهت آن به نارنجک‌های جدید است (Whitcomb, 2016: 179). البته وجود تزئینات برای این ظروف باعث رد شدن این نظریه گردیده و اثبات آن برای گونه‌های اولیه فُقاع قابل است.

هواکش یا دمنده‌های آتش: از دیگر فرضیه‌های در خصوص کاربری کوزه فُقاع، استفاده از آن برای هواکش یا دمنده‌های آتش است. در سال ۱۹۵۱ م. «هیلدبورگ» مطرح کرد که فُقاع وسیله‌ای برای دمیدن آتش برای بخار است (Hildburgh, 1951: 27). به طوری که کوزه فُقاع با نصف آب پر می‌شود، سپس آب جوشانده شده بخار هوا را به آتش منتقل می‌کند و آتش دوباره شعله‌ور می‌شود (Ibid: 53). این فرضیه توسط پژوهشگرانی مانند: «دمازچی» (Dumarçay, 1965: 75-79)، «ویتکمپ» (Whitcomb, 2016: 179-186) و «راجرز» (Rogers, 1969: 147-158) تأیید شده است.

کیمیاگری و دارویی: فرضیه دیگر در سال ۱۹۶۵ م. توسط «ریچارد اتینگهاوزن» مطرح گردید که نشان‌دهنده استفاده از این ظروف برای نگه‌داری جیوه است (Ettinghausen, 1965: 223-229). در تجزیه و تحلیل برخی از فُقاع‌ها نیز اثراتی از جیوه نیز شناسایی شد (Saulcy, 1874: 18-34)؛ با این حال چنان‌چه این ظروف برای نگه‌داری جیوه و تجارت آن استفاده شده، در هیچ‌یک از معادن قدیمی جیوه از این ظروف به دست نیامده است.

ظروف نگه‌داری عطر و مواد خوشبوکننده: فرضیه دیگری که براساس بدنه ضخیم کوزه فُقاع در خصوص کاربری آن مطرح می‌شود، ظروف نگه‌داری عطر و مواد خوشبوکننده است. فرضیه عطر دان بودن این کوزه‌ها، ابتدا توسط «لین» مطرح گردیده است (Lane, 1947: 27). به نظر می‌رسد که مایعات خوشبوکننده به صورت قطره ریخته می‌شده که نیازمند قطر دهانه بسیار کوچک است.

لوله‌های انتقال آب (قلیان): تعبیر دیگر برای کوزه‌های فُقع در سال ۱۹۹۳ م. توسط «ادوارد کیل» پیشنهاد شده است؛ وی عنوان کرد که فُقع‌ها می‌توانند مخازن لوله‌های انتقال آب باشند که قبل از معرفی تنباکو مورد استفاده قرار گرفته است. کیل، فُقع را به‌عنوان ظروف آب معرفی می‌کند که در برخی نقاشی‌های صفوی قابل مشاهده است (Keall, 1993: 280–281).

چُمَاق یا نشان فرمان: «استیفن پردینس» در مقاله‌ای با توجه ایکونولوژی چُمَاق‌های استفاده شده توسط دراویش سودانی در شورش مهدیون در سال‌های ۱۸۸۱ تا ۱۸۹۹ م.، آن را به استفاده مجدد از کوزه‌های فُقع دوره مملوکی مصر نسبت داد (Pradines, 2016: 153-162).

علاوه بر موارد ذکر شده، نظرات جزئی و با دلایل مستند نیز از طرف پژوهشگران برای این نوع کوزه مطرح گردیده است. اتینگهاوزن در بررسی و مطالعه بر روی این کوزه‌ها آن‌ها را به‌عنوان بطری روغن و مشک معرفی کرده است (Ettinghausen, 1965: 229). برخی آن‌ها را محل نگه‌داری مایعات و پودرهای بهداشتی نسبت می‌دهند (Sharvit, 1997: 101–112)؛ با این حال، به نظر می‌رسد کوزه فُقع در مناطق جغرافیایی مختلف و در بازه‌های زمانی متفاوت دارای کاربری‌های مشخص و متمایز بوده است (جدول ۱).

جدول ۱. پژوهشگران و کاربری‌های مختلف فُقع از نظر آن‌ها (نگارنده، ۱۳۹۹). ▼

سال (میلادی)	پژوهشگر	نارنجک دستی	ظروف شراب	هواکش یا دمنده آتش	کیمیاجری و دارویی	ظرف عطران	ظرف ادویه جات	لوله‌های انتقال آب	چُمَاق یا نشان فرمان
۱۸۷۴	سولسی	*			*				
۱۹۵۰	سواژه		*						
۱۹۵۱	هیلدبرگ			*					
۱۹۵۹	سیریگ			*					
۱۹۶۵	اتینگهاوزن			*	*	*			
۱۹۶۵	دمارچی			*					
۱۹۶۵	راجرز			*					
۱۹۹۲	عبدالله قوچانی و شهریار عدل		*						
۱۹۹۳	ادوارد کیل							*	
۱۹۹۷	شرویت					*			
۲۰۰۴	واتسون					*			
۲۰۱۶	استیفن پردینس								*
۲۰۱۶	دیوید نیکولا								*
۲۰۱۶	دونالد ویتکمپ			*					*

گاهنگاری و دوره‌بندی کوزه فُقع

براساس شواهد به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی مناطق مختلف ایران و خارج از ایران، کوزه فُقع با شروع دوران اسلامی و در نخستین قرون دوران اسلامی متداول می‌شود. در دوره سلجوقی این کوزه به فراوانی استفاده شده است. به نظر می‌رسد دوران طلایی و رواج این کوزه نیز مربوط به این دوره است. سرانجام این کوزه تا پایان قرن هشتم هجری قمری و هم‌زمان با دوره ایلخانی منسوخ می‌گردد. نکته قابل توجه این‌که در اشعار شاعران نیز از قرون چهارم تا هفتم هجری قمری در شعر به کار می‌رفته است و بعد از این زمان هیچ‌کدام شاعران از واژه فُقع در اشعار خود استفاده نکرده است.^۳

مراکز تولید کوزه فُقع

متون تاریخی به صورت پراکنده به مراکز تولید کوزه فُقع اشاره کرده‌اند. «مقدسی» اشاره می‌کند که در ایران فُقع و کاشی در ری و کرمانشاه تولید شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۲). اما تاکنون هیچ شواهدی مبنی بر وجود کوره تولید فُقع در کرمانشاه به دست نیامده است. تنها بقایایی از دو کوره تولید فُقع در منطقه دیلمان شهری پیدا شده است که در ادامه در بخش کوره تولید فُقع شهری بدان اشاره خواهد شد. بیشتر مباحث درخصوص مراکز تولید فُقع منوط به بقایای کوزه سالم، جوش‌کوره و سه پایه مربوط به کوزه فُقع است. از مراکز عمده‌ای ایران که بقایای این کوزه به دست آمده می‌توان از: ری، نیشابور، شوش، جیرفت، تخت سلیمان، جرجان، سلطانیه، اوجان (بستان‌آباد)، مشکین‌تپه (مرکزی) نام برد. هم‌چنین در بیشتر مناطق خارج از ایران نیز بقایای این کوزه به دست آمده است که از جمله آن می‌توان به: فسطاط، اسکندریه، اورشلیم، صیدا، دمشق، بعلبک، طرابلس، حمص، رقه، تفلیس، سامرا، مرو، بلخ، لشکری بازار، غزنه، سمرقند، خُجند و تاشکند اشاره کرد.






گونه‌شناسی کوزه فُقع

بحث گونه‌شناسی کوزه فُقع تاکنون مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. تنها «ژولیه مونشامپ»، فُقع‌های مکشوف از دیوارهای شرقی قاهره را در سه مرحله اشکال کروی مربوط به دوره فاطمیان، اشکال کروی-مخروطی اولیه دوره ایوبی و نارنجک‌های منقوش دوره مملوکی تقسیم کرده است (Monchamp, 2016: fig. 2). اما طبقه‌بندی مونشامپ هرچند به عنوان اولین و تنها گونه‌شناسی کوزه فُقع مطرح می‌شود، دارای نواقص و اشکالاتی است؛ به گونه‌ای که این گونه‌شناسی براساس آثار فُقع مکشوف از شهر قاهره در بازه زمانی شهر قاهره ارائه شده است، درحالی‌که آثار و شواهد باستان‌شناسی (به‌ویژه در ایران) نشان‌دهنده استفاده از کوزه فُقع تا دوره ایلخانی است. در اینجا گونه‌شناسی فُقع، براساس شواهد باستان‌شناسی آن در ایران برای اولین بار مطرح می‌شود. براساس مطالعه و بررسی صورت‌گرفته، براساس شکل، فرم و گاهنگاری کوزه فُقع در سه گونه تقسیم‌بندی می‌شود.

گونه اول: فُقع اولیه

این گونه فُقع مربوط به قرون نخستین اسلامی تا اواخر قرن سوم هجری قمری و دربرگیرنده دوره آل بویه است. قالب اصلی گونه فُقع اولیه به صورت مخروطی کشیده بوده و فاقد هرگونه نقش و تزئین و به صورت ساده ساخته است. این نوع به صورت چرخ‌ساز و رنگ اصلی آن سبز مایل به تیره و روشن و پوشش آن عمدتاً گلی رقیق خاکستری و سبزروشن است. خمیرمایه این نوع فُقع، ماسه با ترکیبات ذرات میکا بوده است. ضخامت کوزه فُقع در صورت کلی بالا بوده و در این گونه فُقع بین دو الی سه سانتی‌متر است. دهانه این نوع به صورت باریک و دارای گردن کوتاه است. در برخی از فُقع‌های دوره آل بویه ری، کتیبه‌هایی هم چون: «عملو همشاد»، «عملو احمد ابن موسی»، «ابراهیم»، «برکه»، «لهو اشرب» و... وجود دارد که نشان‌دهنده سازنده و خیر و برکت و نوع کاربرد آن است. این نوع فُقع با توجه به پیشرفت‌ها و تکنولوژی‌های ساخت این نوع سفال و منسوخ شدن آن، تنها در شهرهای قرون نخستین اسلامی در کاوش‌های باستان‌شناسی ری، جرجان و نیشابور به دست آمده است (جدول ۲).

جدول ۲. نمونه فُقع‌های گونه اولیه (نگارنده، ۱۳۹۹).

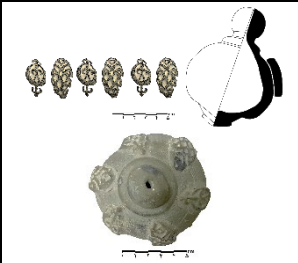





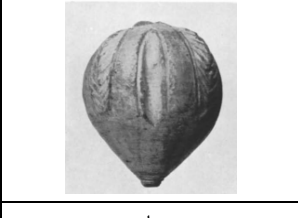


				
نیشابور (Wilkinson, 1973: 353)	نیشابور (Wilkinson, 1973: 353)	شهری (Ghouchani & Adle, 1992: 84)	شهری (سعادت، ۱۳۹۷: ۱۵۳)	شهری (افروند، ۱۳۸۴: ۹۶)

گونه دوم: فُقع میانی

گونه فُقع میانی مربوط به قرون چهارم تا ششم هجری قمری و دربرگیرنده بازه دوره سلجوقی است. شکل اصلی این نوع فُقع کروی-مخروطی شکل است. برخلاف گونه اولیه، شکل اکثر این نوع فُقع، بیشتر کروی-مخروطی شکل است. گونه فُقع میانی نیز چرخ‌ساز بوده و دارای پخت کافی است. دهانه این نوع نیز به صورت باریک و گردن کوتاه است. در این نمونه فُقع ارتفاع بیشتر و قطر میانی آن نیز کمتر است. رنگ اصلی آن نیز سبز مایل به تیره و پوشش آن عمدتاً گلی رقیق خاکستری است. خمیرمایه این نوع فُقع نیز همانند گونه قبل، ماسه با ترکیبات ذرات میکا بوده است. ضخامت این نوع کوزه فُقع نیز بالا بوده و بین دو الی سه سانتی‌متر است. در این گونه، برای اولین بار تزئینات بر روی فُقع ظاهر می‌شود. تزئینات دارای تراکم کمتر و سنگینی بالایی هستند. عمده تزئینات بر روی این کوزه به صورت نقوش افزوده و استامپی استفاده شده است. در نقوش افزوده، نقوش به صورت عمودی و دورتادور ایجاد شده که شامل تزئینات نقوش گیاهی و هندسی است. در نقوش استامپی یا مهری نیز از نقوش دایره‌ای، دوایر متحد‌المركز، گل‌های شش‌پر، اثرمهر سازنده آن و یا کتیبه استفاده شده است. در برخی از فُقع‌های گونه میانی

از کتیبه‌هایی هم چون: «ثعلب»، «یوسف» و... استفاده شده که نشان‌دهنده نام صاحب اثر و سازنده آن است. از مراکز مهم تولید و استفاده از این نوع، در اکثر شهرها و محوطه‌های دوره سلجوقی، شامل: ری، جرجان، نیشابور، جیرفت، سیرجان و... اشاره کرد (جدول ۳).

جدول ۳. نمونه فُقاع‌های گونه میانی (نگارنده، ۱۳۹۹).

		
شهری (سعادت، ۱۳۹۷: ۱۵۵)	شهری (Ghouchani & Adle, 1992: 77)	شهری (قوچانی، ۱۳۶۶: ۴۱)
		
ری (قوچانی، ۱۳۶۶: ۴۱)	جرجان	جیرفت (چوبک، ۱۳۸۳: ۲۹۹)
		
نیشابور (Wilkinson, 1973: 353)	نیشابور (Wilkinson, 1973: 353)	نیشابور (Wilkinson, 1973: 353)

گونه سوم: فُقاع متأخر

گونه فُقاع متأخر مربوط به قرون هفتم و هشتم هجری قمری و دوره ایلخانی را شامل می‌شود. شکل اصلی این نوع فُقاع کروی شکل است. گونه فُقاع میانی نیز مانند دیگر فُقاع‌ها چرخ‌ساز بوده و دارای پخت بالایی است. دهانه این نوع نیز به صورت باریک و گردن کوتاه است. در این نمونه فُقاع نسبت قطر به ارتفاع بیشتر شده است. رنگ اصلی آن سبز مایل به تیره، نخودی و آجری است. خمیرمایه این نوع فُقاع نیز همانند دیگر گونه‌ها، ماسه با ترکیبات ذرات میکا بوده است. در این گونه فُقاع تزئینات شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. در بدنه این نوع فُقاع سطح بدنه به وسیله خطوط افقی به چند بخش تقسیم می‌شود، عمده تزئینات از نقوش استامپی و نیشگونی است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع فُقاع، استفاده از

تزیینات مرصع‌کاری بر روی بدنه آن است. هم‌چنین در این گونه از فُقاع به ندرت از کتیبه استفاده شده است. از مراکز مهم تولید و استفاده از این نوع، به‌ویژه در اکثر محوطه‌ها و شهرهای دوره ایلخانی، شامل: تخت سلیمان، سلطانیه، اوجان و... اشاره کرد (جدول ۴).

جدول ۴. نمونه فُقاع‌های گونه متأخر (نگارنده، ۱۳۹۹).

			
تخت سلیمان (مرادی، ۱۳۸۲: ۲۱۵)	تخت سلیمان (مرادی، ۱۳۸۲: ۲۱۵)	اوجان (ولایتی، ۱۳۹۶: ۲۴)	اوجان (ولایتی، ۱۳۹۶: ۲۴)

کوره تولید فُقاع و دیگر شواهد باستان‌شناسی فُقاع از شهر ری

کوره، فضایی است قابل مسدود شدن، برای پختن ساخته‌های گلی یا چینی‌آلات و کاشی که از گذشته‌های دور ساخت آن معمول بوده است (کامبخش‌فرد، ۱۳۴۹: ۱۸). ری در طول دوران تاریخی همواره به‌عنوان مرکز ساخت و تولید سفال معرفی شده (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۶۴)، ولی تاکنون در محدوده شهر کنونی ری تنها بقایای دو نمونه کوره به دست آمده است؛ هرچند اشمیت در سال ۱۹۳۴ م. در حاشیه شمالی شهر، بر روی تپه چشمه‌علی نیز بقایایی از یک کوره سفالگری به همراه قطعات بسیاری سرباره و جوش کوره را شناسایی می‌کند (Schmidt, 1935)، اما اطلاعات دقیقی درخصوص نوع پلان و معماری آن اطلاعاتی در دست نیست. «یحیی کوثری» در سال ۱۳۷۰ ه.ش. دو کوره سفال فُقاع در محله دیلمان شهر ری شناسایی نمود (کوثری، ۱۳۷۴: ۲۲ و ۲۳). با توجه به کشف این کوره‌ها در یک گودبرداری ساختمانی و تخریب بیشتر آن بر اثر ماشین‌آلات سنگین، از این کوره‌ها تنها سه قطعه عکس منتشر شده و هیچ‌گونه اطلاعاتی از آن در گزارش بیان نشده است. در برخی از متون تاریخی نیز اشاراتی هرچند مختصر، در ارتباط با تولید ظروف سفالی معروف به فُقاع و کاشی در ری شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۸۲). در ادامه، با توجه به شواهد و پیگردی بنا، پلان معماری و شیوه استفاده از تنها کوره‌های قابل استناد شهر باستانی ری، بازسازی و مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

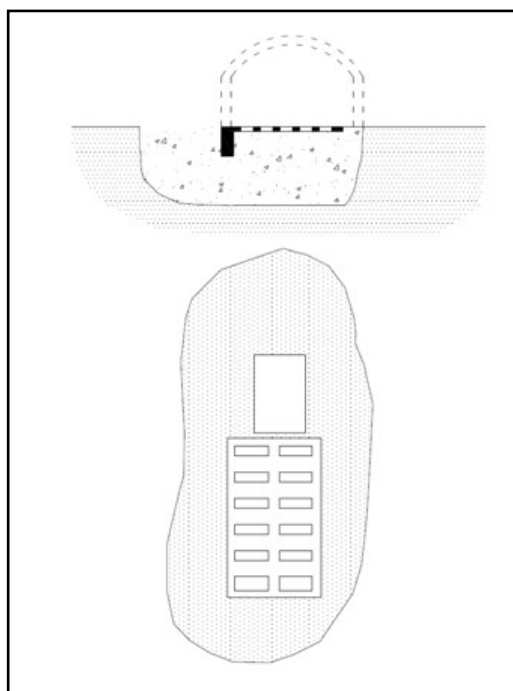
کوره شماره ۱ یا کوره بزرگ دیلمان

متأسفانه از این بنای قابل توجه، تنها بخش تنوره، آتشدان و ساج آن باقی مانده است. این کوره از دو بخش تشکیل شده بود که آتشدان آن در قسمت زیرین و بنای مستطیلی (دم یا تنوره) بالای آن ساخته شده بود. تاکنون در هیچ‌یک از کوره‌های

مکشوف دوران اسلامی بنای دم یا تنوره مستطیل شکل به دست نیامده و کوره‌های ری تنها نمونه مکشوف از این نوع است. شاید دلیل اصلی مستطیل شکل بودن تنوره، استفاده از این کوره برای تولید و ساخت سفال ففعا است. سقف تنوره داری ۱۲ سوراخ بوده که در کنار هم به شکل مستطیلی قرار گرفته و اندازه تقریبی طول و عرض آن‌ها ۲۰×۴۰ سانتی متر است. سقف تنوره هم ویران شده بود، اما براساس ساختار معماری این کوره و مقایسه تطبیقی با کوره‌ها کاوش شده، سقف این کوره را می‌توان گنبدی فرض نمود. گنبدی که احتمالاً در مرکز آن سوراخی برای خروج دود و گاز از کوره به بیرون ایجاد شده بود. اطراف جداره‌های کوره به صورت گدازه شده خاک قرمز رنگی را نشان می‌دهد، قرمزی رنگ خاک، به دلیل حرارت بسیار زیاد داخل آتشدان بوده است. از مواد فرهنگی و داده‌های سفالی موجود در این کوره هیچ اطلاعاتی توسط کاوشگر منتشر نشده است (شکل ۱، طرح ۱).



▲ شکل ۱. کوره شماره ۱ یا کوره ی بزرگ دیلمان (کوثری، ۱۳۷۰: ۲۲).



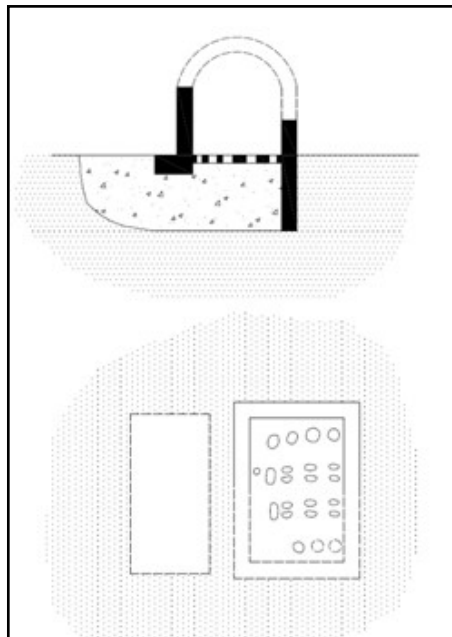
طرح ۱. پلان و برش کوره شماره ۱ یا کوره بزرگ دیلمان (پلان براساس تصاویر و توضیحات کاوشگر توسط نگارنده، ۱۳۹۹).

کوره شماره ۲ یا کوره کوچک دیلمان

کوره دیگری نیز در محوطه واقع در منطقه دیلمان شناسایی گردید، این کوره نسبت به کوره قبلی اندازه و مقیاس به نسبت کوچک‌تری را دارد که ازسوی کاوشگر به عنوان کوره کوچک‌تر معرفی شده است. پلان اصلی معماری این کوره نیز مستطیل شکل است. ساختار این کوره نیز از دو بخش آتشدان در بخش زیرین و تنوره در بالای آن است. سقف تنوره داری ۴ ردیف سوراخ بوده که ردیف اول ۵ سوراخ، ردیف دوم ۵ سوراخ دوتایی و ردیف سوم نیز ۵ سوراخ در موازات همدیگر قرار دارد. سقف تنوره هم ویران شده بود، اما به نظر می‌رسد که دارای ساختاری گنبدی مانند است؛ گنبدی که احتمالاً در مرکز آن سوراخی برای خروج دود و گاز از کوره به بیرون ایجاد شده بود. در داخل آتشدان این کوره بقایای فراوانی از فقع سالم، جوش کوره فقع و غلاف آن به دست آمده، که این شواهد و قراین نشان‌دهنده استفاده از این کوره، برای تولید سفال فقع است (شکل ۲، طرح ۲).



▲ شکل ۲. کوره شماره ۲ یا کوره کوچک و آثار فقع درون آن در دیلمان (کوثری، ۱۳۷۰: ۲۳).



► شکل ۲. کوره شماره ۲ یا کوره کوچک و آثار فقع درون آن در دیلمان (کوثری، ۱۳۷۰: ۲۳).

در برخی کاوش‌های باستان‌شناسی هرچند بقایای جوش‌کوره، تویی‌ها و سه‌پایه‌های کوزه‌فقال نیز به‌دست آمده اما آثاری از معماری کوره و ساخت و تولید فقال در آن‌ها گزارش نشده است. در گمانه‌زنی در پژوهشگاه شهید رجایی یک ظرف فقال سالم از کاوش به‌دست آمد (امیری، ۱۳۷۰: ۳). در زمین جهاد کشاورزی در نزدیکی بقعه بی‌بی‌زبیده بقایای سه‌پایه‌ها و تویی‌های کوزه‌زیادی از این منطقه به‌دست آمده است (کوثری، ۱۳۷۰: ۳۰). در محله چشمه‌علی، کوچه پیرزاده نیز در اثر گودبرداری و کاوش بقایایی از کوزه‌های سالم و شکسته فقال و هم‌چنین جوش‌کوره آن به‌دست آمد (مصدقی، ۱۳۷۸: ۲۰). در ضلع شمال شرقی میدان نماز شهری تعداد زیادی سه‌پایه و تویی‌های کوره شناسایی گردید (مرتضایی، ۱۳۹۱: ۱۰۱). در کاوش اضطراری در ملک واقع در خیابان بابک (نیش کوچه زحمتکش) یک ظرف سالم فقال به‌همراه قطعات شکسته از آن در گمانه C به‌دست آمده است (سعادتی، ۱۳۹۷: ۱۴۵)، (جدول ۵).

بحث و تحلیل

پژوهشگران درخصوص کاربری و موارد استفاده از کوزه فقال نظرات مختلفی را بیان نموده‌اند. برخی نظرات با توجه به دلایل و مستندات قابل‌پذیرش و یا قابل‌رد شدن است (جدول ۶). برخی این ظروف را مخصوص نگه‌داری شراب ذکر کرده‌اند که بیشتر براساس متون تاریخی، برخی کتیبه‌های بدنه این ظرف و هم‌چنین اشعار شاعران به این نظریه تأکید بسیار دارند (Sauvaget, 1950: 525–530; Ghouchani & Adle, 1992: 72–92). به‌نظر می‌رسد با توجه به فرم این کوزه با دهانه بسیار باریک، احتمال نوشیدن شراب را تا حدودی رد می‌کند؛ هم‌چنین در برخی از کوزه‌های فقال اضلاع درونی متخلخل و دارای خاصیت جذب هستند که مانع از نگه‌داری مواد مایع در درون آن می‌شود؛ هم‌چنین دهانه باریک و نازک ظرف، پُر کردن شراب در درون آن را با مشکل مواجه می‌سازد. برخی دیگر از پژوهشگران از این ظرف به‌عنوان نارنجک دستی یا آتش‌یونانی یاد می‌کنند که این نظریه را براساس شباهت آن به نارنجک‌های جدید عنوان نموده‌اند (Saulcy, 1874: 18–34; Whitcomb, 2016: 179). اما این نوع کاربری برای کوزه فقال نیز دارای انتقاداتی بود؛ یکی از مهم‌ترین انتقادات بر این نظریه، وجود تزئینات بر روی بدنه کوزه فقال است؛ چرا که ظرفی که برای انفجار ایجاد شده، چرا باید دارای این چنین تزئیناتی باشد.

یکی دیگر از کاربری‌های پیشنهادی برای کوزه فقال، هواکش یا دمنده‌های آتش است (Hildburgh, 1951: 27; Dumarçay, 1965: 75–79; Whitcomb, 2016: 179–186; Rogers, 1969: 147–158). به‌نظر برخی پژوهشگران با توجه به شناسایی این شیء در مناطق خانگی، احتمالاً کاربری خانگی داشته است، اما دلایلی برای رد این فرضیه نیز مطرح می‌شود؛ دهانه باریک و تنگ این ظروف مانع از پُر شدن آب و یا مایع قابل‌اشتعال در درون آن می‌شود؛ هم‌چنین تزئینات بدنه این کوزه، کاربری استفاده از آن برای درون آتش را رد می‌کند. یکی از مهم‌ترین فرضیه‌های مطرح شده برای کاربری فقال محل نگه‌داری مواد دارویی و گیوه است (Ettinghausen, 1965: 179–186).

جدول ۵. جدول مشخصات جوش کوره‌ها، سه پایه‌ها، تویی‌ها، فُقع و کوزه فُقع در شهرری (نگارنده، ۱۳۹۹).

ردیف	محل کشف	سه پایه کوره	تویی‌های کوره	فُقع			توضیحات
				کوزه فُقع	جوش کوره	غلاف فُقع	
۱	دیلمان			*	*	*	
۲	پژوهشگاه شهید رجایی			*			
۳	زمین جهاد کشاورزی (شمال بقعه بی‌بی زبیده)		*				
۴	چشمه‌علی (کوچه پیرزاده)			*	*		
۵	میدان نماز		*				
۶	محوطه ملک خیابان بابک			*			

جدول ۶. کاربردهای پیشنهادی برای فُقاع و دلایل پذیرش و رد آن‌ها (نگارنده، ۱۳۹۹).

کاربردها	دلایل پذیرش	دلایل رد
نارنجک دستی	<ul style="list-style-type: none"> ✓ وجود بدنه ضخم ✓ دهانه باریک آن مانع از خروج مواد اشتعال‌زا درون آن می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> • وجود تزئینات بر روی بقایای فُقاع، این نوع کاربری را رد می‌کند.
ظروف شراب	<ul style="list-style-type: none"> ✓ معنی لغوی فُقاع به معنای محل شراب و نوشیدن ✓ برخی کتیبه‌ها بر روی کوزه فُقاع‌ها نشان‌دهنده استفاده از آن‌ها برای نوشیدن و شراب است. 	<ul style="list-style-type: none"> • تزئینات فراوان بدنه بیرونی این کوزه و احتمال مصرف آن در هر بار برای نوشیدن شراب را رد می‌کند. • گردن فُقاع خیلی باریک است تا هوا از آن عبور کند، بنابراین در هنگام نوشیدن مشکل ایجاد می‌کند. • اضلاع درونی ظروف فُقاع بسیار متخلخل و دارای خاصیت جذب است که کمتر می‌توان آن را مخصوص شراب و آب دانست. • دهانه باریک این ظروف، پر کردن آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.
هواکش یا دمنده آتش	<ul style="list-style-type: none"> ✓ کاوش‌های باستان‌شناسی این کوزه در مناطق بافت‌های خانگی به دست آمده است. 	<ul style="list-style-type: none"> • دهانه باریک این ظروف، پر کردن آن را دشوار می‌سازد. • با توجه به تزئینات این ظروف، کاربری استفاده از آن‌ها در درون آتش را رد می‌کند.
کیمیاجری و دارویی	<ul style="list-style-type: none"> ✓ تزئینات روی بدنه فُقاع ✓ تجزیه و تحلیل برخی فُقاع‌ها، اثراتی از وجود جیوه را نشان داده است. 	<ul style="list-style-type: none"> • با توجه به مطرح شدن این کوزه برای نگهداری جیوه و تجارت و دادوستد آن، در هیچ‌یک از معادن قدیمی جیوه اثراتی از کوزه فُقاع به دست نیامده است.
ظروف عطردان و مواد خوشبو کننده	<ul style="list-style-type: none"> ✓ بدنه ضخم این ظروف ✓ با توجه به اینکه مایعات باارزش به صورت قطره‌ای ریخته می‌شده، نیازمند ظرفی با دهانه بسیار باریک بودند. 	<ul style="list-style-type: none"> • ظروف نگهداری عطر و مواد خوشبو کننده معمولاً از جنس شیشه است.
لوله‌های انتقال آب	<ul style="list-style-type: none"> ✓ در برخی نقاشی‌های دوره صفوی از شیئی شبیه به فُقاع در هنگام قلیان کشیدن دیده می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> • دهانه باریک این نوع کوزه برای استفاده لوله انتقال آب (قلیان) مناسب به نظر نمی‌رسد. • در تجزیه و تحلیل مواد داخل این کوزه، هیچ اثری از مواد مخدر یا شاهدانه مشاهده نگردیده است. • به نظر نمی‌رسد با استفاده از آیکونولوژی نقاشی‌های دوره صفوی معتبر به نظر برسد.
چُمَاق یا نشان فرمان	<ul style="list-style-type: none"> ✓ استفاده از فُقاع در دوره معاصر 	<ul style="list-style-type: none"> • سنگینی فُقاع و احتمال افتادن آن‌ها

گرددیده است. یکی از شبهات قابل توجه برای اثبات این کاربری، عدم مشاهده این کوزه در هیچ‌یک از معادن قدیمی جیوه است. نظریات مختلف دیگری نیز براساس آیکونوگرافی در دوره‌های معاصر برای کاربری این کوزه مطرح گردیده که از جمله آن‌ها می‌توان به ظروف عطردان، لوله‌های انتقال آب (قلیان)، چُمَاق، روغن دان و محل نگه‌داری پودرهای بهداشتی می‌توان اشاره کرد.

همان‌طور که پیش‌تر ذکر گردید، کوزه فُقع براساس شکل، فرم و تزئینات بدنه آن، به چند دسته تقسیم‌بندی می‌شود. کوزه فُقع براساس نمونه‌های قابل‌مطالعه در ایران عمدتاً چرخ‌ساز بوده و طیف رنگ‌های بدنه آن شامل سبز مایل به تیره و روشن، نخودی و آجری با پوشش گلی رقیق خاکستری و سبز روشن است. خمیرمایه فُقع عمدتاً با ترکیبات ذرات میکا می‌باشد.

در اشعار فارسی به فراوانی از واژه فُقع به‌وسیله شاعران از قرون سوم تا هشتم هجری قمری استفاده شده است. نکته قابل‌توجه این‌که با شروع استفاده از این کوزه، در اشعار شاعران نیز این واژه به‌کار رفته و با منسوخ شدن آن، نیز در شعر استفاده نشده است؛ هم‌چنین تقریباً تمام شاعران از کاربری نوشیدن و ظروف شراب در ذکر این واژه استفاده کرده‌اند (جدول ۷). به نظر می‌رسد این کوزه در جنبه عرفانی برای شعرا با شراب و نوشیدن در ارتباط بوده است.

جدول ۷. کوزه فُقع در اشعار و متون فارسی و بازه زمانی آن (نگارنده، ۱۳۹۹). ▼

ردیف	شاعر	منبع	سده (قرن)، هجری قمری
۱	ابوالقاسم فردوسی	شاهنامه	چهارم و پنجم
۲	ناصر خسرو قبادیانی	سفرنامه	چهارم و پنجم
۳	سنائی غزنوی	دیوان اشعار	پنجم و ششم
۴	حکیم نظامی	خمسه	ششم
۵	عطار نیشابوری	تذکره الاولیاء	ششم ه.ق
۶	عطار نیشابوری	منطق الطیر	ششم ه.ق
۷	عطار نیشابوری	خسرونامه	ششم ه.ق
۸	خاقانی شروانی	دیوان اشعار	ششم ه.ق
۹	اوحدی مراغه‌ای	دیوان اشعار	ششم و هفتم
۱۰	کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی	غزلیات	نیمه اول سده هفتم
۱۱	سعدی شیرازی	دیوان اشعار (غزلیات)	هفتم
۱۲	مولانا جلال‌الدین بلخی	دیوان شمس	هفتم
۱۳	مولانا جلال‌الدین بلخی	مثنوی معنوی	هفتم

تزئینات نیز به‌عنوان یک عنصر مهم و جدید، در کوزه فُقع در گونه میانی و بازه زمانی دوره سلجوقی با تزئیناتی هم‌چون نقوش افزوده و استامپی شروع می‌شود. عمده نقوش بیشتر شامل نقوش: گیاهی، هندسی، دواپر متحدالمركز، گل‌های شش‌پر و اثرمهرهای سازنده آن است. اما در گونه فُقع متأخر تزئینات شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. تزئینات در سطح بدنه به‌صورت ردیفی در خطوط افقی از هم مجزا گردیده است. عمده تزئینات این گونه فُقع شامل نقوش استامپی، نیشگونی و مرصع‌کاری است.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی کوزه فُقع به یکی از بحث برانگیزترین نمونه سفال‌های دوران اسلامی همواره در خصوص کاربری، گونه‌شناسی، گاهنگاری، مراکز مهم تولید آن و کوره تولید فُقع دارای ابهاماتی بوده است. براساس نمونه‌های مطالعه شده پژوهش حاضر، مشخصه اصلی این فرم کوزه، دهانه بسیار باریک و بدنه‌ای کروی و مخروطی شکل است. توسط پژوهشگران مختلف طی سالیان متمادی کاربری‌های متفاوتی برای این کوزه مطرح شده که به نظر می‌رسد با توجه به دو عامل زمان و منطقه جغرافیایی از این کوزه، با کاربردهای متفاوت استفاده شده است؛ هرچند نظریات مختلف کاربری برای این کوزه، دارای دلایلی جهت پذیرش و رد آن‌ها مطرح شده است؛ اما به نظر می‌رسد که با توجه به شناسایی فُقع در مناطق مسکونی و خانگی، از این کوزه در مصارف خانگی استفاده شده است. هم‌چنین تزئینات بدنه و دهانه بسیار باریک آن، نشان‌دهنده نگه‌داری مواد مخصوصی همانند عطر، جیوه و... است. کوزه فُقع در بیشتر محوطه‌ها و شهرهای باستانی مهم دوره سلجوقی و ایلخانی از این کوزه به‌دست آمده است. در ایران این کوزه از شهرهای مهمی چون: ری، نیشابور، شوش، جیرفت، تخت سلیمان، جرجان، سلطانیه و اوجان (بستان‌آباد) به‌دست آمده و در شهرهای خارج از ایران در مناطقی هم‌چون: فسطاط، اسکندریه، اورشلیم، صیدا، دمشق، بعلبک، طرابلس، حمص، رقه، تفلیس، سامرا، مرو، بلخ، لشکری‌بازار، غزنه، سمرقند، خُجند و تاشکند به‌دست آمده است. هم‌چنین کوزه فُقع براساس پراکندگی آن در محوطه‌های باستانی از قرون نخستین اسلامی تا قرن هشتم هجری قمری مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش براساس فرم، شکل و هم‌چنین تزئینات بدنه فُقع گونه‌شناسی برای این کوزه مطرح می‌شود؛ فُقع اولیه (قرون نخستین اسلامی تا اواخر قرن سوم هجری قمری)، فُقع میانی (قرن چهارم تا ششم هجری قمری) و فُقع متأخر (قرون هفتم و هشتم هجری قمری). بررسی اشعار مرتبط با کوزه فُقع نیز نشان‌دهنده استفاده از این کوزه از قرن سوم تا قرن هشتم هجری قمری توسط شاعران است.

یکی از نکات قابل توجه در خصوص کوزه فُقع، کوره تولید آن است. در این پژوهش برای اولین بار تنها کوره فُقع در ایران مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد در کوره تولید فُقع، حرارتی بیشتر از دیگر انواع سفالینه‌ها به آن داده می‌شود. در واقع محکم بودن این کوزه به حدی است که اگر به زمین بیفتد، احتمال

شکسته شدن آن بسیار کم است. براساس متون تاریخی، ری و کرمانشاه از مراکز مهم تولید فُقع در ایران را تشکیل می‌دهد؛ اما شواهد و داده‌های باستان‌شناسی در خیابان دیلمان شهرری در سال ۱۳۷۰ ه.ش. بقایایی از معماری دو کوره شناسایی شده که براساس پلان و داده‌های باستان‌شناسی شامل کوزه فُقع و جوش کوره فُقع نشان‌دهنده تولید انبوه این کوزه در منطقه ری است؛ هم‌چنین دیگر شواهد و داده‌های مهم باستان‌شناسی در ری نشان‌دهنده اهمیت کوزه فُقع در منطقه ری به‌ویژه در دوره سلجوقی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. لغتنامه دهخدا؛ فُقع. ف (معرب)، ا (معرب) فوگان. شرابی که از جو و مویز و جز آن گیرند. آبجو. مویز آب. بوزا. بزا. بوزه.
۲. فرهنگ عمید: (اسم) [عربی: فُقع، معرب، مأخوذ از فارسی: فوگان] [قدیمی] شرابی که از مویز، جو، یا برنج گرفته می‌شد؛ آب‌جو.
۳. فُقع گشودن: [قدیمی]، بازکردن سر شیشه فُقع، آروغ زدن، لاف زدن.
۳. برای مطالعه بیشتر، ک. به: مبحث فُقع در شعر و ادبیات فارسی.

کتابنامه

- اسماعیل اصفهانی، کمال‌الدین، ۱۳۹۶، دیوان خلاق المعانی. به‌اهتمام: حسن بحرالعلومی، تهران: انتشارات سنایی.
- افروند، قدیر، ۱۳۸۴، «فصل دوم کاوش باستان‌شناسی دژ رشکان شهرری». اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران، (منتشر نشده).
- امیری، احمد، ۱۳۷۰، «گزارش مقدماتی از عملیات جستجو و گمانه‌زنی در محوطه پارک وحدت و پژوهشگاه شهید رجائی». اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران، (منتشر نشده).
- اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین، ۱۳۴۰، دیوان اوحدی مراغه‌ای. به‌کوشش: سعید نفیسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پورجوادی، نصرالله، ۱۳۶۷، «فُقع گشودن فردوسی و سپس عطار؛ بحثی در ماهیت شعر و شاعری از نظر عطار». نشر دانش، شماره ۴۵، صص: ۱۷۳-۱۵۸.
- توحیدی، فائق، ۱۳۸۲، فن و هنر سفالگری. تهران: انتشارات سمت.
- چوبک، حمیده، ۱۳۸۳، «تسلسل فرهنگ جازموریان-شهر قدیم جیرفت در دوره اسلامی». رساله دوره دکترای باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، (منتشر نشده).
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین، ۱۳۳۸، دیوان اشعار خاقانی شروانی. به‌تصحیح: ضیاء‌الدین سجادی، تهران: کتابفروشی زوار.
- سعادت، محسن، ۱۳۹۷، «کاوش اضطراری ملک واقع در خیابان بابک (نبش کوچه زحمتکش) شهرری) اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران، (منتشر نشده).

- سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، ۱۳۷۴، غزلیات سعدی. تصحیح: محمد علی فروغی، تهران: انتشارات ققنوس.
- سنائی، ۱۳۵۴، دیوان سنائی. به تصحیح: مدرس رضوی، تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۸۳، امثال و حکم. جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عطارنیشابوری، محمدبن ابراهیم، ۱۳۷۳، منطق الطیر. تهران: انتشارات ماد.
- عطارنیشابوری، شیخ فریدالدین، ۱۳۸۲، خسرونامه. با مقدمه: محمد اقبال، تهران: انتشارات اندیشه دُرگستر.
- عطارنیشابوری، شیخ فریدالدین، ۱۳۹۲، تذکرة اولیاء. بررسی و تصحیح: محمد استعلامی، تهران: انتشارات زوار.
- عطارنیشابوری، شیخ فریدالدین، ۱۳۹۵، مصیبت‌نامه. تصحیح و تعلیق: محمدرضا شفیعی‌کدکنی، تهران: انتشارات مهر.
- عمید، حمید، ۱۳۸۹، فرهنگ فارسی عمید. تهران: ناشر اشجع.
- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۷۹، شاهنامه فردوسی. جلد اول، تهران: نشر قطره.
- قبادیانی مروزی، ناصر خسرو، ۱۳۹۵، سفرنامه ناصر خسرو. به کوشش: سید محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات زوار.
- قوچانی، عبدالله، ۱۳۶۶، «کوزة فقاع». مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ۲، شماره ۱، صص: ۴۵-۴۰.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۴۹، کاوش‌های نیشابور و سفالگری ایران در سده پنجم و ششم هجری. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- کوثری، یحیی، ۱۳۷۱، «گزارش پژوهش‌های باستان‌شناسی، تعیین حریم ری باستان در سال‌های ۱۳۶۷، ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰». جلد اول و دوم، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران، (منتشر نشده).
- کوثری، یحیی، ۱۳۷۴، «گزارش مقدماتی پژوهش باستان‌شناسی ری باستان گورستان زیرین». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران، (منتشر نشده).
- مرادی، یوسف، ۱۳۸۲، «دومین فصل کاوش باستان‌شناختی تخت سلیمان». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی، (منتشر نشده).
- مرتضایی، محمد، ۱۳۹۰، «گزارش مستندنگاری خاکبرداری‌های انجام شده در میدان نماز شهرری». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و میراث فرهنگی استان تهران، (منتشر نشده).
- مصدقی‌امینی، فرشید، ۱۳۷۸، «گزارش بررسی باستان‌شناسی در منطقه چشمه علی شهرری». اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و میراث فرهنگی استان تهران، (منتشر نشده).
- مقدسی، ابو عبدالله محمدبن احمد، ۱۳۶۱، «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم». ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

- نظامی‌گنجوی، الیاس بن یوسف، ۱۳۵۲، «خمسۀ نظامی». تهران: انتشارات ققنوس.
 - نظامی‌گنجوی، الیاس بن یوسف، ۱۳۹۳، شرفنامه نظامی. تصحیح و حواشی: حسن وحید دستگردی، تهران: انتشارات قطره.
 - نظامی‌گنجوی، الیاس بن یوسف، ۱۳۹۵، لیلی و مجنون. ترجمۀ محمد روشن، تهران: انتشارات صدای معاصر.
 - ولایتی، رحیم، ۱۳۹۶، «گزارش کاوش و گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و حریم شهر تاریخی اوجان». داره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان آذربایجان شرقی، (منتشر نشده).

- Dumarçay, J., 1965, "Eolipiles?". *Syria*, No. 42, Pp: 75-79.
- Ettinghausen, R., 1965, "The use of sphero-conical vessels in the Muslim East". *Journal of Near Eastern Studies*, No. 24, Pp: 218-229. <https://doi.org/10.1086/371816>
- Garavand, M.; Kazemi Dehaghi, S. & Azimi, M. S., 2014, "The Medallion (Spherical) Shape Vessels of Islamic Period Known as Fogha Jars from the Morphological Point of View". *Ir Cons Sci J.*, No.1 (1), Pp: 39-47.
- Ghouchani, A. & Adle, C., 1992, "A Sphero-Conical Vessel as Fuqqā'a, or a Gourd for "Beer"". *Muqarnas*, Vol. 9, Pp: 72-92.
- Hildburgh, W., 1951, "Aeolipiles as fire-blowers". *Archaeologia*, No. 94, Pp: 27-55. <https://doi.org/10.1017/S0261340900007207>
- Keall, E., 1993, "One man's mede is another man's Persian: One man's coconut is another man's grenade". *Muqarnas*, No. 10, Pp: 275-285. <https://doi.org/10.2307/1523192>
- Monchamp, J., 2016, "Sphero-conical Vessels from the Ayyubid Wall in Cairo: A Typology (11th-15th c.)". *Journal of Islamic Archaeology*, No. 3.2, Pp: 195-209.
- Nicolle, D., 2016, "Medieval Islamic Fire Grenades: Further Evidence from a Military Context". *Journal of Islamic Archaeology*, No. 3.2, Pp: 163-179.
- Nuretdinova, A., 2015, "Sphero-conical vessels of Volga Bulgharia". In: *Global Pottery I. Historical Archaeology and Archaeometry for Societies in contact*, Edited by: Jaume Buxedai Garrigos, Marisol Madrid i Fernandez and Javier G. Inanez, Pp: 103-115. BAR International Series 2761.
- Pradines, S., 2016, "The Sphero-conical Vessel: A Difficult Interpretation between Historical Sources and Archaeology". *Journal of Islamic Archaeology*, No. 3.2, Pp: 153-162.

- Rogers, J. M., 1969, "Aeolipiles again". In: *Forschungen zur Kunst Asiens in Memoriam Kurt Erdmann*, Edited by: Kurt Erdmann, Oktay Aslanapa and Rudolf Naumann, Pp: 147–158. Istanbul: Istanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi, Türkve Islâm Sanati Kürsüsü.
- Sarre, F., 1925, "Keramik V. Kriegsgerät". In: *Baalbek*, Edited by: Theodor Wiegand, Pp: 133–136, Berlin: de Gruyter.
- Saulcy, F., 1874, "Note sur des projectiles à main, creux et en terre cuite, de fabrication arabe". *Mémoires de la Société Nationale des Antiquaires de France*, No. 5, Pp: 18–34.
- Sauvaget, J., 1949, "Flacons à vin ou grenades à 'feugrégeois'?". *Annuaire de l'Institut de philologie et d'histoire orientales ET slaves*, No. 9, Pp: 525–530.
- Schmidt, E. F., 1935, "Excavation at Rayy". In: *Ars Islamica II*, Part. I, Pp: 139–141.
- Seyrig, H., 1959, "Flocons? Grenades? Eolipiles?". *Syria*, No. 36, Pp: 81–89.
- Sharvit, J., 2008, "The sphero-conical vessels". In: *Paneas II: Small Finds and Other Studies*, Edited by: V. Tzaferis, and S. Israeli, Pp: 101–112. Jerusalem: Israel Antiquities Authority.
- Vezzoli, V., 2016, "Sphero-conical Vessels from Baalbek: A Diverse and Challenging Collection". *Journal of Islamic Archaeology*, No. 3.2, Pp: 209-233.
- Vigouroux, E., 2016, "Note on a Use of Sphero-conical Vessels in Mamluk Era Damascus". *Journal of Islamic Archaeology*, No. 3.2, Pp: 187-195.
- Watson, O., 2004, "Ceramics from Islamic lands". In: *The al-Sabah Collection Dar al-Athar al-Islamiyyah*, Kuwait National Museum, Pp: 128–132, London: Thames & Hudson.
- Whitcomb, D., 2016, "A Note on "Grenades" as Fire-starter Flasks". *Journal of Islamic Archaeology*, No. 3.2, Pp: 179-186.
- Wilkinson, C. K., 1973, *Nishapur: Pottery of the early Islamic period*. New York: The Metropolitan Museum of art.